



روشهای تربیت دینی

استفاده از روشهای تربیتی صحیح، از اصول و مبانی مهمی است که همه دست‌اندرکاران مسائل تربیتی باید به آن توجهی وافر کنند، زیرا:

«دنیای امروز، دنیای به‌کارگیری روش‌ها و بهره‌گیری از راه‌کارهاست.»

امام رضا علیه السلام در این باره چه زیبا فرموده‌اند:

«هر کس در پی کاری از راه و روش آن رود، نلغزد، گر بلغزد؛ راه‌کار رهایی‌اش نیز بیابد.»^۱

توجه به دو نکته قبل از شروع بحث ضرورت دارد:

۱- در این نگاه، ما روش‌های تربیتی را از آموزه‌های دینی و اندیشه‌های

ولایی برگرفته‌ایم.

۲- به جهت رعایت اختصار، بیشتر به جنبه‌های تئوریک موضوع پرداخته‌ایم، اگر چه به جنبه‌های کاربردی آن نیز توجه داشته‌ایم.

از این رو، حتی از آوردن متن آیات، روایات و غالباً از ذکر مثال، تجربه‌ها و نمونه‌های عملی پرهیخته‌ایم و به مجمل‌گویی اکتفا کرده‌ایم.

ولی همان‌گونه که جامی در هفت اورنگ گفته است:

با تو گفتم مجمل این اسرار را
مختصر آوردم این گفتار را

گرمفصل بایدت فکری بکن
تا به تفصیل آید اسرار کهن

چون به آنان گفته می‌شود: «از آنچه خداوند فرو فرستاده است پیروی کنید»؛ گویند: «بلکه از چیزی که پدران خود را بر آن یافته‌ایم پیروی می‌کنیم». آیا هر چند پدرانشان چیزی را درک نمی‌کرده و به صواب نمی‌رفته‌اند. (شایسته تقلیدند)؟^۲

پس تقلیدهای کورکورانه و بدون دلیل خردمندانه کاملاً نکوهیده است و باید درباره این نوع تقلیدها - و نه هر نوع تقلیدی - گفت:
خلق را تقلیدشان بر باد داد

ای دو صد لعنت بر این تقلید باد

با توجه به تقلید ورزی شدید افراد به ویژه در سنین پایین باید کاملاً مواظب گفتار و رفتار خود باشیم. برای نمونه، یکی از مربیان ورزش به علت زانو درد و هنگام ورزش کردن، زانو بند را به پای چپ خود می‌بندد. پس از سپری شدن چند جلسه آموزشی متوجه می‌شود که برخی از شاگردان وی بدون داشتن هیچگونه زانو دردی زانو بند را به پای چپ خویش می‌بندند.

این نشان می‌دهد که رفتار مربیان، حتی به طور ناخواسته تا چه میزانی می‌تواند مورد تقلید افراد قرار بگیرد و بر آنان تأثیر بگذارد.

۲- روش تربیت تلقینی

یکی از روش‌های دیگری که در تربیت می‌توان به کار گرفت، تلقین مثبت

هم بر این اجمال کاری، این خطاب ختم شد، **وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِالصَّوَابِ**
باری، برخی از روش‌های تربیت دینی عبارتند از:

۱- تقلیدی

۲- تلقینی

۳- تدریجی

۴- غیر مستقیم

۵- الگویی

۶- عملی

۱- روش تربیت تقلیدی

تقلید بر چهار نوع است:

الف) تقلید آگاهانه و سودمند (مانند تقلید در کارهای مثبت)

ب) تقلید آگاهانه و زیانمند (مانند تقلید در کارهای منفی)

ج) تقلید ناآگاهانه و سودمند (مانند تقلید کودک در یادگیری سخن گفتن)

د) تقلید ناآگاهانه و زیانمند (مانند تقلید کودک در به کارگیری سخنان زشت)

نوع اول و دوم از تقلید، همان الگو برداری مثبت یا منفی از دیگران است که در «روش تربیتی الگویی» به آن خواهیم پرداخت.

به نوع چهارم از تقلید، در قرآن مجید در مورد کافران اشاره شده است:

می‌توانی شاگرد درس‌خوانی بشوی»
نشینده یا ندیده‌ایم؟

۳- روش تربیت تدریجی

پزشک روان‌شناسی می‌گفت: «در تعلیم و تربیت، جذب کردن پیش از ساختن است.» جذب کردن دیگران غالباً زمینه‌سازی می‌خواهد. به کارگیری «روش تدریجی» در تعلیم و تربیت و ساختن انسان‌ها از لوازم مهم زمینه‌سازی پرورشی و آموزشی است. نازل شدن آیات قرآن و ابلاغ آن‌ها به مردم از سوی پیامبر محبوب خدا ﷺ - که مهم‌ترین و بهترین آموزش‌ها و روش‌های تربیتی را در بردارند - در مدت ۲۳ سال و به صورت تدریجی (سوره اسراء آیه ۱۰۶)، بیان برخی از قوانین عملی اسلام برای مردم همچون روزه، زکات و جهاد پس از ۱۵ سال، تحریم تدریجی ربا در آیات ۳۹ سوره روم و ۱۶۱ سوره نساء و ۱۳۰ سوره آل عمران و ۲۷۵ تا ۲۷۹ سوره بقره، و تحریم تدریجی مشروبات الکلی در آیات ۲۱۹ سوره بقره و ۴۳ سوره نساء و ۹۰ و ۹۱ سوره مائده، ارزش و اهمیت استفاده از روش تدریجی در مسائل تربیتی و آموزشی را نشان می‌دهد و بر آن تاکید می‌ورزد.

به گفته مولانا:

به خود و دیگران است. امروزه نیز یکی از روش‌های درمان برخی از بیماری‌ها مانند افسردگی، منفی‌نگری، ناامیدی و وسواس، روش تلقین درمانی است.

حضرت امیر مومنان علی علیه السلام نیز این روش را مسورد توجه قرار داده و فرموده‌اند:

اگر بردبار نیستی، خود را همانند بردباران نما، زیرا بسیار اندکند کسانی که خود را به گروهی همانند می‌کنند و یکی از آنان نمی‌شوند.^۳

همچنین امام خمینی رحمته الله علیه می‌فرمایند:
یکی از چیزهایی که برای انسان مفید است تلقین است ... یک مطلبی که تاثیر در نفس انسان باید بکند، با تلقینات و تکرارها بیشتر در نفس انسان نقش پیدا می‌کند.^۴

به همین جهت، اگر استفاده از روش تلقینی در تعلیم و تربیت به صورت «منفی» و «تحمیل» نباشد، بلکه به صورت «مثبت» و «آگاهانه» و «آزادانه» انجام پذیرد، بسیار مطلوب و مؤثر خواهد بود. آیا تاکنون کم شدن نمره یا مردودی دانش‌آموزی را که بارها به او تلقین کرده‌اند که «تو شاگرد درس‌خوانی نمی‌شوی» نشینده یا ندیده‌ایم؟ آیا تاکنون زیاد شدن نمره یا قبولی دانش‌آموزی را که بارها و بارها به او تلقین کرده‌اند که: «تو

فرزندان را در نظر داشت، زیرا همواره نمی توان برای بیماران مختلفی که درد مشترکی نیز دارند، فقط یک نسخه درمانی ارائه کرد. شاید به همین دلیل نیز بوده است که معصومان ع به یک سؤال مشترک مانند افضل الاعمال (= برترین کارها) از سوی افراد گوناگون، پاسخ های گوناگونی داده اند.

۴- روش تربیت غیر مستقیم

از یک جهت، روش های مطلوب تربیتی به دو گونه «مستقیم» و «غیر مستقیم» است. با توجه به ویژگی های متریبان، شرایط زمان، مکان، گاه روش مستقیم و گاه روش غیر مستقیم کارایی دارد. و این چنین نیست که همواره روش غیر مستقیم کارسازتر باشد. از همین رو، خدای بزرگ در قرآن کریم در مواردی، از روش ها و خطاب های مستقیم و صریح مانند «یا ایها الکافرون»، «یا ایها الناس» و «یا ایها الذین آمنوا» استفاده کرده است و در مواردی از روش ها و خطاب های غیر مستقیم. به حضرت عیسی ع فرموده است:

«ای عیسی پسر مریم! آیا تو به مردم گفتی که من و مادرم را همچون دو خدا به جای خداوند بپرستید؟»^۵

همان گونه که در این آیه قرآن به روشنی می بینیم، خداوند متعال مستقیماً

حق نه قادر بود بر خلق فلک؟
در یکی لحظه به «کُن» بی هیچ شک
پس چراشش روز آن را بر کشید؟
کلّ یوم الف عام ای مُستفید
خلقت آدم چرا چل صبح بود؟
اندر آن جل اندک اندک می فزود
خلقت طفل از چه اندر نه مه است؟
زانکه تدریج از شعاع آن شه است
شایان ذکر است:

الف- توجه به روش تدریجی در تعلیم و تربیت، بدین معنی نیست که در مراحل آغازین می توان از آموزش ها و استدلال های غلط و یا مسائل تربیتی بی پایه و سست پایه استفاده کرد.

ب- به کارگیری روش تدریجی در تعلیم و تربیت تنها در قلمرو استدلال ها و برهان ها نیست، بلکه در نوع مطالب و اعمال نیز صادق است. مثلاً آیا آموزش مطالب عرفانی دقیق و فلسفی عمیق و واداشتن به انجام کارهای اخلاقی پسندیده و برخی از مستحبات مهم مانند خواندن نماز شب، برای نوجوانانی که به این حد از درک و عمل نرسیده اند، رواست؟

ج- در تعلیم و تربیت حتماً باید سطح فکر، قدرت فهم و شرایط سنی، علمی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی فراگیران و

۵- روش تربیت الگویی

یکی از ویژگی‌های انسان فضیلت‌خواهی و کمال‌گرایی اوست. از این رو، هرگاه فضیلت و کمالی را در الگوهای مانند شخصیت‌های دینی، سیاسی، اجتماعی، هنری و ورزشی می‌بیند، در پی الگوبرداری از آنان در زندگی فردی و اجتماعی خویش برمی‌آید. به گفته مولانا:

هر هنر که استاد بدان معروف شد

جان شاگردش بدان موصوف شد

پیش‌استادی که آن نحوی بود

جان شاگردش از آن نحوی شود

بنابراین یکی از روش‌های موثر در تعلیم و تربیت فراگیران روش الگویی است. و نکته مهم‌تر برای مربیان، معلمان، پدران و مادران این است که به مربیان و فراگیران، در تشخیص فضیلت‌ها و کمال‌ها و مصادیق آن، جهت دهند و یاری رسانند تا در دام بت‌ها و مدها و الگوهای نامناسب گرفتار نشوند، بلکه به سوی الگوهای مناسب و شایسته رو آورند. و اقبال لاهوری چه خوش گفته است:

عاشقی آموز و محبوبی طلب

چشم نوحی قلب ایوبی طلب

کیمیای پیدا کن از مشیت کلی

بوسه زن بر آستان کاملی

باری، خداوند بزرگ در قرآن کریم

به حضرت عیسی علیه السلام خطاب می‌کند اما به طور غیر مستقیم می‌خواهد به پیروان حضرت عیسی علیه السلام بگوید که اعتقاد آنان به خدا بودن حضرت عیسی و حضرت مریم علیهما السلام شرک و باطل است.

باری، آموزش غیر مستقیم وضو به آن پسر مرد از سوی امام حسن و امام حسین علیهما السلام و تأکید فراوان روان‌شناسان بر این روش، و گفته‌هایی همچون «الکناية ابلغ من التصريح: کنایه و غیر مستقیم‌گویی از صراحت و مستقیم‌گویی رساتر است.» و «به در بگو تا دیوار بشنود.»، بر به کارگیری روش غیر مستقیم در تعلیم و تربیت تأکید می‌ورزد.

تذکار

الف - استفاده از شعر، قصه، خاطره، شرح حال دیگران، معما، فیلم، نمایش و مانند آن می‌توانند از مصادیق روش‌های غیر مستقیم تربیتی به شمار آیند.

ب - نتیجه‌گیری از مطالب مطرح شده در روش‌های غیر مستقیم، به عهده خود مخاطبان و فراگیران قرار داده شود.

ج - گاه مربیان و پدران و مادران می‌توانند مسائل تربیتی را به صورت غیر مستقیم و به وسیله اشخاص دیگری و نه به وسیله خودشان، به فراگیران انتقال و آموزش دهند.

۶- روش تربیت عملی

همان گونه که در روش الگویی گفته شد، یکی از مهم‌ترین روش‌های مطلوب تربیتی «روش عملی» است و متأسفانه ما کمتر به آن عمل می‌کنیم. خدای بزرگ در قرآن کریم می‌فرماید:

«آیا مردم را به کار نیک فرمان می‌دهید و حال آنکه خویشان را فراموش می‌کنید.»^۷

همچنین امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «مردم را با اعمالتان، نه (فقط) با زبان‌هایتان (به سوی خدا) فراخوانید.»^۸

طبق آماري که برخی از روان‌شناسان ارائه کرده‌اند حدود ۸۰٪ یادگیری از راه چشم و ۱۳٪ از راه گوش انجام می‌شود. یا در ضرب المثلی آورده‌اند: «یک تصویر گویاتر از هزار کلمه است.» و مولانا نیز چه دُر سفته که گفته است:

آن که یک دیدن کند ادراک آن

سال‌ها نتوان نمودن از زبان

پس، عمل و رفتار مربی که زیر ذره‌بین چشم و دستگاه تصویربرداری متربی است، می‌تواند تأثیر ژرف و شگرفی در تعلیم و تربیت او داشته باشد. زیرا متربی گفته‌های مربی را پیش از آنکه بخواهد از وی بشنود، می‌خواهد در اعمال و رفتار او ببیند و این درس بزرگی است که از مربی خود فرا

روش الگویی را مورد توجه قرار داده، هم الگوهای پسندیده مانند پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (سوره احزاب، آیه ۲۱) و حضرت ابراهیم علیه السلام و یاوران او (سوره ممتحنه، آیه ۴) و زن فرعون (سوره تحریم، آیه ۱۱) را معرفی می‌کند و هم الگوهای ناپسند مانند زن حضرت نوح و زن حضرت لوط (سوره تحریم، آیه ۱۰) را به همین منظور نشان می‌دهد.

امام زمان علیه السلام نیز در حدیثی جالب می‌فرماید:

«دختر پیامبر خدا (فاطمه زهرا علیها السلام) برای من الگویی شایسته است.»^۹

تذکار

الف - همهٔ مربیان به معنای عام، با اعمال و رفتار پسندیدهٔ خویش می‌توانند الگوهای شایسته‌ای برای متربیان خود باشند.

ب - با توجه به نیازها و استعدادهای گونه‌گون متربیان، مربیان باید الگوهای مناسب در ابعاد و رشته‌های مختلف را به آنان نشان دهند و از یک بعدی نگری پرهیزند.

ج - مربیان باید از معرفی الگوهای متضاد و متعارض بشدت خودداری ورزند، زیرا این امر ممکن است به انکار اصل الگوبرداری و انکار خود الگوها از سوی متربیان منجر شود و این زیانی است بس بزرگ.

می‌گیرد:

بزرگی سراسر به گفتار نیست

دو صد گفته چون نیم کردار نیست
از سوی دیگر، اگر متریان بین گفتار و
رفتار مریبان تناقض و تعارض را مشاهده
کنند، همین امر باعث می‌شود تا نسبت به همه
گفته‌ها و نظام فکری - عملی مریبان بی‌اعتماد
گردند و در نتیجه، در نظام فکری - عملی خود
نیز دچار اختلال و سردرگمی شوند و در دل یا
بر زبان بگویند:

سعیدیا گر چه سخندان و مصالح گوئی

به عمل کار برآید به سخندانی نیست
اصولاً باید توجه داشته باشیم که
پیروزی یا شکست یک دین و یا یک مکتب
غالباً در گرو اعمال و رفتار گروندگان به آن
است تا آموزش‌های نظری آنان. به همین
دلیل، معمولاً کسانی که با خود دین مخالفت
دارند بسیار نیستند، بلکه اعمال و کردار دین
گرایان است که موجب بی‌رغبتی آنان نسبت به
آن دین می‌شود:

اسلام به ذات خود ندارد عیبی

هر عیب که هست در مسلمانی ماست
بنابراین:

الف - همه ما از خداوند بزرگ بخواهیم
که به آنچه می‌گوییم عمل کنیم تا مورد
سرزتش او در آیات ۲ و ۳ سوره صف قرار

نگیریم.

ب - اگر به آنچه خودمان می‌گوییم
خودمان عمل نکنیم، چگونه می‌توانیم عمل به
گفته‌هایمان را از دیگران بخواهیم؟ «رطب
خورده، منع رطب چون کند؟» آری، به گفته
خواجۀ شیراز:

ای بی‌خبر بکوش که صاحب‌خبر شوی

تا راهرو نباشی کسی راهبر شوی
ج - خطر بسیار بزرگی که اکنون ما و

انقلاب ما و دین ما را بشدت تهدید می‌کند و
متأسفانه کمتر به آن توجه می‌نماییم، این است
که شماری از ما و بزرگتر از ما به آموزه‌های
دینی و آرمان‌های انقلابی خویش عمل
نمی‌کنیم، و چه بسا همین امر در دراز مدت
آثار نامطلوبی نسبت به دین و انقلابمان را در
درون جامعه و کشورمان و در بیرون از آن بر
جای نهد که امیدواریم به خواست خدا این
چنین نشود.

پی‌نوشت‌ها:

۱ - بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۳۴۰.

۲ - بقره / ۱۷۰.

۳ - نهج‌البلاغه، ترجمۀ علینقی فیض الاسلام،
کلمه قصار ۱۹۸.۴ - قرآن از دیدگاه امام خمینی علیه السلام، ص ۴۴.

۵ - سوره مائده، آیه ۱۱۶.

۶ - بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۸۰.

۷ - بقره / آیه ۴۴.

۸ - بحارالانوار، ج ۵، ص ۱۹۸.